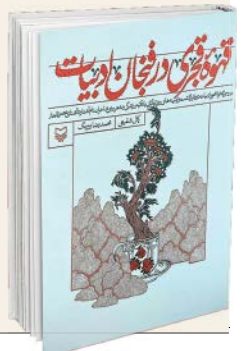


بفر ما یید قهوه قجری در فنجان ادبیات

کتاب «قهوه قجری در فنجان ادبیات» اثری از کمال شفیعی و محمدرضا بی‌رنگ است که توسط انتشارات سوره مهر به چاپ رسید. این اثر به بررسی محتوای ادبیات دوره بازگشت و زمینه‌های بروز نوگرایی با تکیه بر زندگی و شعر برخی شاعران نام‌آشنا و ناآشنای عصر قاجار می‌پردازد. قهوه قجری در فنجان ادبیات از سه فصل با عناوین «در سرایشی ادبیات»، «نوازی ادبیات در منطقه غرب در عصر قاجار» و «اسدآباد و یک شاعر بی‌دیوان در عصر قاجار» تشکیل شده که با نگاهی پژوهشگرانه به تبیین چستی ادبیات قاجار مشغول و به سرنوشت آن گروه از رویدادهای ادبی و اجتماعی پرداخته که در بستر حاکمیت قاجار اتفاق افتاده، سرشت بخشی از ادبیات را شکل داده است. شفیعی و بی‌رنگ در مقدمه کتاب درباره نام اثر این‌گونه نوشته‌اند: «برای کتاب، عنوان قهوه قجری در فنجان ادبیات، انتخاب شده است. وقتی این قهوه قجری کشنده در فنجان ادبیات و برای ادبیات آماده می‌شود، طبیعی است ناظر بر ستمی است که طبقه فرهنگ یا ذات ادبیات از حاکمیت قاجار متحمل شده است؛ به بیان دیگر، ادبیات با حاکمانی دیگر می‌توانست اوضاع متفاوتی را در این عصر سپری کند که این‌گونه نشد تا موضوع بازگشت که معرف و مبین بخشی از سردرگمی ادبیات است، در این عصر اتفاق بیفتد که در سطور پیشین درباره آن سخن به میان آمد.»

■ نویسنده: حبیب سنگ‌تراشان
■ انتشارات: عهدمانا
■ قیمت: ۲۴۰ هزار تومان



سردبیر: میثم رشیدی مهرآبادی
مدیر هنری: حمیدرضا خاتونی
صفحه‌آرا: مجتبی دهقانی
جلد: سپهر سهامی فرد
ویرایش عکس: زرناز حسینی
ویراستار: اکبر فکری

همکاران این شماره:
حسین شرفخانیلو
علی نورآبادی، نازلی مروت
سید علی اصغر عبدا... زاده
طیبه بیدخام، مرضیه نظریلو
الهام رضایی، نازنین فاطمه امیرفرجی
سعیده اسدالهی و زینب گل محمدی

تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴
JAMEJAM.NEWS
کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
info@jamejamdaily.ir

■ نویسنده: مرحوم سعید تشکری
■ انتشارات: نیستان
■ قیمت: ۷۵ هزار تومان



تشکری که سابقه بلندبالایی در خلق داستان‌های تاریخی به‌ویژه با موضوع خادمان رضوی و اهل فرهنگ و هنر بالیده در مکتب خراسان پس از حضور امام رضا(ع) در خراسان را در کارنامه دارد، در این اثر سراغ زندگی و زیست قهرمان‌هایی در دوران پس از حیات امام رضا(ع) رفته و شخصیتی با عنوان سید حسین رضوی قمی را دستمایه خلق داستانی بلند از خود قرار داده است. این نویسنده درباره این رمان و اتفاقی که در متن آن رخ داده، چنین عنوان کرده بود: جای تاریخ در ادبیات امروز ایران بسیار خالی است و نیز جای ایران‌هایی که در رویدادهای بسیاری تأثیر می‌گذارند و ادبیات را می‌توانیم از شاخه این نخله فکری بیرون بکشیم.



این داستان، افسانه مردمی است که در دوران باستان از ترس حمله آدم‌خواران به سرزمینی پررمز و راز به نام «دوناری» مهاجرت می‌کنند. مدتی می‌گذرد؛ ولی در سرزمین جدید نیز مردم روی خوشبختی را نمی‌بینند! در یک شب سرد پاییزی برخی از مردم دچار حالت‌های ترسناکی می‌شوند؛ مثل دیوانه‌ها داد می‌زنند، جیغ می‌کشند، ناله درختان را می‌شنوند و اشباحی را در دل تاریکی می‌بینند. بعد از این اتفاق اهالی سرزمین به دودسته تقسیم می‌شوند: ماوراواران (کسانی که معتقدند آدم‌ها توسط اشباح تسخیر شده‌اند) و واقع‌گرایان (آنهايي که این اتفاقات را توهمی بیش نمی‌دانند). در این میان آرتین نوجوان، عزم خودش را جزم می‌کند و به دنبال کشف این راز بزرگ می‌رود.



به قلم نوجوان

برای بخشی از کلیله و دمنه به روایت مژگان شیخی راسوها عاشق ماهی هستند

که همسایه مار بود است» داستان یک مامان قورباغه غمگین است که یک مار خال خالی کنار برکه‌اش آمده و هر بار که بچه‌هایش از تخم بیرون می‌آیند، آنها می‌خورد. خانم خرچنگ که دوست خانم قورباغه است، فکری می‌کند. او می‌خواهد با نقشه‌ای راسو را به برکه بکشاند. مثل این که راسوها عاشق ماهی هستند و دشمن مارها. من این را نمی‌دانستم و با خواندن این حکایت فهمیدم. شما فکر می‌کنید که خانم قورباغه و خرچنگ می‌توانند راسو را به برکه بکشاند و کلک مار را بکنند؟ داستان آخر هم، داستان «مرغابی و شکار ستاره‌ها» است. این حکایت، داستان یک بچه مرغابی است که برای اولین بار مادرش مجبور می‌شود که ماهی بگیرد. شب می‌شود و نور ستاره‌ها در آب می‌افتد. بچه مرغابی نورها را با ماهی اشتباه می‌گیرد و همه قورباغه‌ها به او می‌خندند و مسخره‌اش می‌کنند. باید خودتان این حکایت و دو تا داستان دیگر را بخوانید تا بفهمید آخر آنها چه می‌شود. این مجموعه داستان را انتشارات قدیانی چاپ کرده است.

■ نازنین فاطمه امیرفرجی
نوجوان
کتابخوان



امروز می‌خواهم به جنگل کلیله و دمنه سفر کنم. کتابی که مادرم از نمایشگاه کتاب برایم خریده و ۱۸ جلد دارد. هرکدام از این کتاب‌ها سه داستان دارد. یک داستان اصلی که اسمش روی جلد نوشته شده و دو داستان دیگر هم در کتاب وجود دارد. حالا من ۱۸ جلد کتاب کلیله و دمنه دارم که جمعاً ۵۴ حکایت برایم تعریف می‌کند. این کتاب، جلد هشتم از این مجموعه است. عکس روی جلدش یک مار بزرگ خال خالی است که دور یک سمور قهوه‌ای پیچیده شده و سمورتن مار را گاز گرفته است. قبول دارم، عکس روی جلد کمی ترسناک است اما اسم حکایت اصلی یعنی مرغابی و شکار ستاره‌ها من را کنجکاو کرد که اول جلد هشتم را بخوانم. اولین داستان این کتاب، اسمش «دوستی بوزینه و لاک‌پشت» است. داستان یک بوزینه پیر است که سال‌ها پادشاه قبيله بوده و دیگر ضعیف و ناتوان شده و قبيله بوزینه جوانی را به جای او پادشاه می‌کند. بوزینه پیر تصمیم می‌گیرد قبيله را ترک کند و بین راه با لاک‌پشتی آشنا می‌شود. آنها باهم دوست می‌شوند اما بعد از مدتی بوزینه پیر متوجه می‌شود که لاک‌پشت برای دوستی با او نقشه‌هایی کشیده است. به نظر شما بوزینه چطور نقشه لاک‌پشت را برملا می‌کند؟ داستان دوم این کتاب اسمش «قورباغه‌ای



■ برای داستان بلند «چرا اینجا روی زمین نشسته‌ام» به قلم ژوئل اگلوف

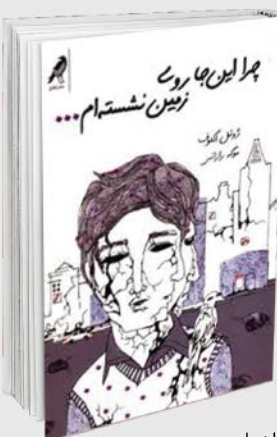
آدمی که امکان دارد زیر پایش خالی شود!

در داستان بلند «چرا اینجا روی زمین نشسته‌ام» همه چیز تحت تأثیر رانش زمین قرار می‌گیرد. زمینی که باید مستحکم‌تر و مطمئن‌تر از هر چیز دیگری باشد، حالا سست‌تر از همیشه فرومی‌ریزد و همه چیز را می‌بلعد. هر روز سر و کله ترک‌ها و حفره‌های عمیقی روی دیوار خانه‌ها و نماهای ساختمان‌ها پیدا می‌شود. شکاف‌هایی که ترمیم نمی‌شود، عمق پیدا می‌کند و در نهایت سبب ویرانی می‌شود. زبان اگلوف

■ سعیده اسدالهی
منتقد
ادبی



آن رب‌گری‌یه، معضل رمان را - به وضوح - معضل رابطه انسان با محیطش می‌داند. در گذشته انسان می‌کوشید به کائنات شخصیت انسانی ببخشد. استعاره‌هایی مانند «قله‌های بابیت» «آفتاب بی‌رحم»



«دهکده قوزکرده» این‌گونه تشبیه به انسان با چنان اصرار و انسجام بیش از حدی تکرار می‌شود که ناچار از پشت آن یک نظام مابعدطبیعی تمام‌عیار آشکار می‌گردد. رب‌گری‌یه معتقد است که انسان‌گرایی به این بهانه که انسان می‌تواند فقط شناختی ذهنی از جهان داشته باشد، بر آن می‌شود که انسان را موجب توجیه همه چیز بداند. ناتالی ساروت - نویسنده و نظریه پرداز ادبی فرانسوی - گاه‌طوری می‌نویسد که انگار معتقد است، اشیا

تماشا می‌کنند. گرایش‌های او مملو از اشیایی است که توانایی واکنش انسانی به آنها داده شده است. البته ساروت به سخت‌گیری روب‌گری‌یه در چگونگی درک واقعیت نیست. باید پذیرفت که دیگر آگاهی انسان از محیط خود جدا شده است. انسان در زمان حال همیشگی زندگی می‌کند. حافظه دارد اما نه به ترتیب زمان. پس بهترین کاری که نویسنده می‌تواند امیدوار به انجام دادنش باشد، منتقل کردن احساس ظریف حضور انسان در زمان حال است.

در همه داستان‌هایش، طنزی سیاه و گزنده دارد. بلاهت ذاتی و درونی شخصیت‌هایش، به خوبی از پس به سخره گرفتن موقعیت‌های هولناکی که پیش روی‌شان قرار دارد، برمی‌آید. آنها فلسفه می‌یابند. مسائل عمیق انسانی را با زبان خودشان و آکاوی می‌کنند. البته وجود شخصیت‌هایی که نسبت به اتفاق‌های پیش رو بی‌تفاوت هستند و به نوعی درگیری با وقایع عجیب، خللی در زندگی روزمره و روابط‌شان ایجاد نمی‌کند، یکی از هوشمندی‌های نویسنده است. داستان‌های اگلوف مخصوص جغرافیا یا آدم‌های خاصی نیست. داستان‌های او، داستان همه انسان‌هاست. دنیایی که در حال فروپاشی است و آدمی که هر لحظه امکان دارد زیر پایش خالی شود و به چاهی عمیق فرورود. این داستان با زاویه دید اول شخص روایت می‌شود. ترجمه موگه رازانی از زبان اصلی، ترجمه بی‌نقص و کاملی است. این کتاب توسط نشر کلاغ در سال ۹۲ به چاپ رسیده است.